

تعهد همکاری متعهدله در اجرای قرارداد

ابراهیم شعاریان*

دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی تبریز

(تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۹۰/۴/۲۲)

چکیده

اجرای تعهد در بسیاری از قراردادهای بدون همکاری طرف مقابل امکان پذیر نیست و متعهدله وظیفه دارد امکان انجام تعهد را به گونه‌ای فراهم نماید که متعهد بتواند ضمن عمل به تکالیف خود، آنچه را که متقابلاً استحقاق دارد، دریافت نماید. به عنوان مثال، اجرای تعهد معالجه از سوی پزشک، بدون همکاری بیمار ممکن نیست. این تکلیف در اقسام مختلف قراردادها و بسته به اوضاع و احوال حاکم و شرایط عقد، متغیر است. مبنای مهم تعهد همکاری، اصل حسن نیت است؛ البته شرط ضمنی و عرف نیز می‌تواند به عنوان سایر مبانی آن مطرح شود.

در ادبیات حقوقی ما اشاره‌ای به این موضوع نشده و رویه قضایی هم با آن بیگانه است؛ اما در حقوق کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی راجع به قراردادها مورد تأیید واقع شده و آثار نقض تکلیف مزبور که فراتر از موضوع عدم مسئولیت متعهد است، تبیین شده است. نگارنده با مطالعه تطبیقی تلاش نموده است تا ضمن معرفی این مفهوم جدید، مبانی، قلمرو و آثار نقض تکلیف مزبور را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی

آثار، اسناد بین‌المللی، تکلیف همکاری، حقوق تطبیقی، قلمرو، مبانی.

مقدمه

از موضوعات اساسی که در قلمرو قراردادها بررسی می‌شود، حدود تعهدات طرفین است. با انعقاد عقد، حقوق و تعهداتی برای طرفین قرارداد ایجاد می‌شود؛ هریک از آنان متعهد می‌شوند در مقابل طرف دیگر، آنچه را که برعهده دارند، مطابق قرارداد و شرایط آن و همچنین عرف و عادت انجام دهند. با توجه به اینکه تعهد هر طرف عقد در مقابل طرف دیگر، مستقل و متکی به اراده اوست، معمولاً اجرای تعهدات هریک از طرفین عقد نیز به صورت مستقل مورد بحث و مطالعه قرار می‌گیرد.

صورت دیگری از اجرای تعهدات قراردادی که امروزه مطرح می‌شود، تعهد متقابل و همکاری دو طرف عقد در اجرای تعهدات است؛ بدین معنا که در پاره‌ای از موارد، اجرای تعهد توسط متعهد، بدون همکاری متقابل متعهده ممکن نیست. براین اساس، در مواردی شخص متعهده وظیفه دارد در اجرای تعهداتی که به نفع او صورت می‌گیرد، همکاری لازم را انجام دهد. همکاری اراده دو طرف عقد در تحقق ماهیت حقوقی و انعقاد عقد، کافی نبوده و ضروری است که این همکاری در مرحله اجرای قرارداد نیز صورت پذیرد؛ چراکه اجرای برخی تعهدات چنان به همکاری دو طرف عقد وابسته است که نمی‌توان به صورت مجزا از تعهدات مستقل هریک از طرفین سخن گفت.

نمونه بارز چنین وظیفه‌ای را می‌توان ارائه اطلاعات لازم به متعهد دانست؛ هنگامی که در قرارداد پیمانکاری، ارائه اطلاعات و نقشه‌های اجرایی با کارفرماست، اجرای تعهد ساخت پروژه، بدون همکاری متعهده و تحویل نقشه‌ها امکان‌پذیر نیست. همچنین هنگامی که هنرمندی متعهد می‌شود از چهره شخصی نقاشی کند، اجرای قرارداد بدون همکاری متعهده و استقرار او در یک وضعیت ثابت، متصور نیست. همین وضعیت در تعهد دندان‌پزشک ملاحظه می‌شود و همکاری بیمار (متعهده)، لازمه اجرای شایسته قرارداد است.

طرح بحث حاضر در ادبیات حقوقی ما (قوانین، رویه قضایی و دکترین) سابقه ندارد؛ اما در نظام‌های کامن‌لا و رومی ژرمنی، این موضوع مورد بحث قرار گرفته و در سال‌های اخیر نیز در

برخی اسناد مهم بین‌المللی راجع به قراردادها از جمله اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۱، اصول حقوق قراردادهای اروپا^۲، پیش‌نویس طرح مشترک مرجع^۳ و اصول تنظیمی سازمان هماهنگ‌سازی حقوق بازرگانی در آفریقا^۴ چنین وظیفه‌ای به تصریح مورد توجه قرار گرفته است.

در مقاله حاضر تلاش شده است مبنا، قلمرو و آثار تکلیف همکاری متعهدله بررسی شود.

اصطلاح‌شناسی و مفهوم

اصطلاح تعهد یا وظیفه همکاری در هیچ‌یک از مقررات و آثار حقوقی ما سابقه ندارد. در ماده ۱-۳ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، این تکلیف با عنوان «همکاری میان طرفین (Unidroit Principles, Art 5.1.3) و در ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا تحت عنوان وظیفه (تکلیف) همکاری^۵ آمده است. (Lando and Beale, 2000, p120) این اصطلاح در ماده ۵/۳ پیش‌نویس اولیه قانون یکنواخت حقوق قراردادهای اوهادا^۶ نیز بیان شده است. در مواد مختلفی از پیش‌نویس طرح مشترک مرجع^۷ از جمله ماده ۱۰۴-۱ کتاب سوم نیز از اصطلاح همکاری^۸ استفاده شده است. (Bar and others, 2009, p685) در حقوق بیشتر کشورهای کامن‌لا و حقوق نوشته، چنین تکلیفی اغلب با عنوان «تکلیف به همکاری و تعاون» ذکر شده است. در بسیاری از آرای محاکم انگلیس، امریکا و استرالیا، وظیفه همکاری متعهدله مورد تأیید قرار گرفته و در حقوق آلمان، هلند، ایتالیا نیز این وظیفه برای متعهدله شناسایی شده است.

در فرانسه برای اولین بار دموگ موضوع همکاری طرفین در اجرای قرارداد را مطرح نمود و بیان داشت که هر طرف عقد به همان اندازه که اهداف شخصی خود را در قرارداد دنبال می‌کند، باید برای نیل به هدف مشترک نیز کوشش کند؛ درست همان‌گونه که اشخاص در جامعه مدنی یا تجاری عمل

1. Unidroit Principle of International Commercial Contracts (UPICC)

2. The Principle of European Contract Law (PECL)

3. Draft Common Frame of Reference (DCFR)

این پیش‌نویس در حقیقت طرح اولیه قانون مدنی اروپا تلقی می‌شود.

4. The Organization for the Harmonization of Business Law in Africa (OHADA)

5. Duty to Co-operate

6. OHADA

7. DCFR

8. Co-operation

می‌کنند. (Demogue, 1931, p9) رپیر نیز همین ایده را مطرح نموده و معتقد است که قرارداد، یک اتحاد است؛ بدین معنا که میان متعهد و متعهدله، یک جامعه کوچک موقت برای رسیدن به هدف خاصی که همان موضوع قرارداد می‌باشد، تشکیل شده است. (Diesse, 1999, p261-262)

به نظر برخی از حقوق دانان فرانسه، اگرچه طرفین هنگام انعقاد قرارداد، منافع و اهداف شخصی خود را تعقیب می‌کنند، چنین امری الزاماً به معنای تعارض و برخورد منافع آنان نیست و بین منافع خصوصی طرفین و همکاری متقابل آنان، تعارضی وجود ندارد؛ باید پذیرفت که امروزه موضوع تعارض منافع پایان یافته و همکاری طرفین که سبب استقرار و ثبات قرارداد به عنوان یک اصل کلی است، آغاز شده است. (Diesse, 1999, p261-262) برخی نیز قرارداد را به عنوان یک سند حقوقی همکاری میان طرفین در نظر گرفته‌اند. (Mestre, 1986, p101)

در حقوق فرانسه، تکلیف همکاری^۱ در برخی از آثار حقوقی ذیل عنوان «تعهد به درستکاری و صداقت»^۲ مطرح شده است. (Weill and Terre, 1986, p360) در این کشور تکلیف همکاری به خصوص در قراردادهای خدمات تکنولوژی ارتباطات^۳ مورد توجه قرار گرفته و از مدت‌ها پیش، وظیفه اطلاع‌رسانی متعهدله در طول اجرای عقد به عنوان یکی از مصادیق تکلیف همکاری در نظر گرفته شده است. (Demogue, 1931, p551)

شعبه تأمین اجتماعی دیوان عالی فرانسه، همکاری کارفرما در قراردادهای کار را تأیید و مقرر نموده کارفرما مکلف است در راستای اعمال حسن‌نیت از توانایی‌های جسمانی کارگران، به نحوی که آنها قادر به انجام کار باشند، مراقبت و حمایت نماید. (Code Civil, 2010, p1294) شعبه مدنی دیوان عالی این کشور نیز همکاری مشتری آب را در این مورد که آیا صورت حساب ارائه شده به او واقعی بوده، لازم دانسته است. (Code Civil, 2010, p1294)

در قانون مدنی جدید مجارستان، تکلیف همکاری طرفین در اجرای قرارداد در بند ۴ ماده ۲۷۷ بدین بیان مقرر شده است: «طرفین در اجرای قرارداد، متعهد به همکاری با یکدیگر هستند.» (Bar and others, 2009, p689) در ماده ۳۵۴ قانون مدنی لهستان نیز مقرر شده متعهد ملزم

1. Dévoir de Coopération
2. Obligation de Loyauté
3. IT

است قرارداد را با رعایت شرایط آن، هدف اقتصادی و عرف اجرا نماید و متعهدله نیز در همان مسیر ملزم به همکاری با اوست. (Bar and others, 2009, p689)

حقوق دانان عربی از اصطلاح «تعاون الطرفان» (فرج‌الصدّه، ۱۹۷۴، ص ۴۷۳) و «التزام بالتعاون» (سنهوری، ۱۹۷۴، ص ۶۲۸) در خصوص چنین تکلیفی استفاده نموده‌اند.

لازم به ذکر است در بسیاری از کشورها، وظیفه همکاری متعهدله، یکی از شاخه‌های اصل حسن‌نیت در قراردادها به‌شمار می‌رود؛ از این‌رو در برخی از نوشته‌ها و آرای قضایی برای بیان این تکلیف، به اصل حسن‌نیت استناد می‌شود. در هیچ‌یک از مقررات ما، مفهوم این تکلیف مشخص نشده است؛ اما از مواد اسناد بین‌المللی می‌توان به مفهوم آن پی برد.

در ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا مقرر شده هر طرف قرارداد، به‌منظور اجرای کامل عقد، مکلف به همکاری با طرف دیگر است. (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۸۲)

ماده ۳-۱-۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌الملل بیان داشته است: «هر طرف عقد بایستی تا حدی که چنین وظیفه همکاری به‌نحو متعارف و معقولی برای اجرای تعهدات طرف دیگر مورد انتظار است، با طرف دیگر همکاری بنماید.»

در ماده ۱۰۴-۱ کتاب سوم از پیش‌نویس طرح مشترک مرجع نیز مقرر گردیده: «متعهد و متعهدله تا زمان و تا حدی که به‌نحو معقولی برای اجرای تعهد متعهد انتظار می‌رود، ملزم به همکاری با یکدیگر می‌باشند.» (Bar and others, 2009, p685)

در پیش‌نویسی که توسط انجمن هنری کاپیتان و انجمن قانون‌گذاری تطبیقی فرانسه تدوین شده و اصطلاحات، اصول راهنما و قواعد نمونه حقوق قراردادهای اروپا در آن مدون شده است، وظیفه همکاری به‌عنوان یک تعهد خاص برای متعهدله مورد شناسایی قرار گرفته و اظهار شده است که چنین وظیفه‌ای باید مستقل از تکلیف حسن‌نیت مورد توجه قرار گیرد.

(Fauvargue and Mzeaud, 2008, p549)

تکلیف همکاری در کنوانسیون راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) مورد توجه قرار گرفته و استدلال شده است که بایع و مشتری در اجرای قدم‌های به‌هم‌پیوسته یک قرارداد بین‌المللی، مکلف به همکاری با یکدیگر هستند و این وظیفه عمدتاً مربوط به همکاری در خصوص قبول و پذیرش ایفای تعهد است. به‌موجب بند ۱ ماده ۶۵ این کنوانسیون، اگر تعیین شکل، اندازه یا دیگر جنبه‌های کالا به

خریدار واگذار شده باشد و او از انجام چنین اختیاری خودداری نماید، فروشنده می‌تواند رأساً و براساس نیازهای خریدار این اقدام را انجام دهد. (Honnold, 1991, p477-478)

تعهد خریدار به قبض کالا نیز یکی از مصادیق تعهد همکاری است که در ماده ۶۰ کنوانسیون مذکور بدان اشاره شده است؛ این تعهد شامل کلیه اقداماتی است که به‌طور معمول از وی انتظار می‌رود تا فروشنده را قادر سازد تحویل کالا را عملی کند. (Honnold, 1991, p430؛ صفایی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۳۰۲) در بند ۲ ماده ۴۸ و بند ۳ ماده ۳۲ کنوانسیون نیز، به نمونه‌های دیگری از همکاری اشاره شده است. (Honnold, 1991, p296) هرچند در مقررات مزبور تعریفی از تکلیف همکاری ارائه نشده است، اما می‌توان گفت تکلیف همکاری، تکلیفی است که متعهدله در راستای اجرای قرارداد از سوی متعهد تا حدی که متعارف و معقول است، دارد و چنین تعهدی می‌تواند به‌نحو صریح یا ضمنی در نظر گرفته شود. گفتنی است وظیفه همکاری در شروط تعلیقی نیز مورد توجه قرار گرفته و در بند ۱ ماده ۱۰۲-۱۶ اصول حقوق قراردادهای اروپا مقرر شده است که اگر طرف عقد برخلاف حسن‌نیت و وظیفه همکاری از تحقق شرط تعلیق جلوگیری کند، شرط موردنظر تحقق‌یافته فرض می‌شود. (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۴۶۶؛ Lando and Beole, 2003, p233).

در پیش‌نویس سومین بخش از اصلاحات و تکمیل اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی راجع به شروط قراردادی که هنوز به‌صورت رسمی منتشر نشده است، براساس پیشنهاد حقوق‌دانان فرانسوی (Fauvargue and Mzeaud, 2010, p8) مقرر شده است که اگر طرف عقد برخلاف وظیفه حسن‌نیت یا معامله منصفانه یا همکاری، مانع اجرای شرط قراردادی شود، نمی‌تواند به عدم اجرای شرط استناد کند. این قاعده بیانگر همان قاعده کلی همکاری میان طرفین می‌باشد که در ماده ۳-۱-۵ اصول مزبور بیان شده است.

شایان ذکر است چنین تکلیفی برای متعهدله را نباید با تعهد مشارکت در اجرای قرارداد اشتباه گرفت؛ مشارکت در اجرای قرارداد برای طرفین وظیفه اصلی قراردادی محسوب می‌شود، اما تکلیف متعهدله به همکاری درحقیقت زمینه‌ساز اجرای تعهدی است که متعهد مستقلاً و به‌تنهایی برعهده دارد. تعهد دیگری که ممکن است با وظیفه همکاری متعهدله خلط شود، تعهد مستقل و متقابل متعهدله در مقابل متعهد است. به‌عنوان مثال، سفارش‌دهنده کالایی که مقرر

شده مشخصات و اندازه کالای مورد نظر را به سازنده ارائه کند، خود مکلف به پرداخت بهای معامله است. چنین تعهدی ارتباطی به موضوع مقاله حاضر ندارد؛ بلکه در مثال مذکور، تعهد سفارش دهنده به ارائه اندازه کالا، تعهد همکاری وی فرض می‌شود.

مبنای حقوقی تکلیف همکاری

سؤال اساسی این است که تکلیف همکاری متعهدله بر چه اساسی استوار است؛ به عبارت دیگر، پایه و ریشه چنین تعهدی در کجا نهفته است. درخصوص مبنای چنین تعهدی نظریات متعددی ارائه شده است که در ذیل بررسی می‌شود.

۱. مبنای قراردادی (تعهد صریح و ضمنی)

تکلیف همکاری متعهدله در بیشتر قراردادها مورد تصریح طرفین قرار نمی‌گیرد. در چنین وضعیتی باید به این سؤال پاسخ داد که آیا تکلیف یادشده مخصوص موردی است که در عقد بیان شده است یا در صورت عدم تصریح نیز چنین تکلیفی وجود دارد؟

در صورت تصریح به چنین تعهدی، مبنای قراردادی (اراده طرفین قرارداد) مطرح می‌شود؛ در صورت عدم تصریح به آن و تحت شرایطی که بتوان تعهد مزبور را به اراده ضمنی طرفین نسبت داد نیز همان مبنا می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

در مواردی که تکلیف همکاری متعهدله در قرارداد تصریح می‌شود، تردیدی در نفوذ چنین تعهدی وجود ندارد؛ اما در صورت عدم تصریح، باید حکم قضیه را روشن نمود. در قوانین بیشتر کشورها حکم صریحی در این باره وجود ندارد.

برخی نویسندگان چنین تعهدی را ضمنی تلقی نموده‌اند. (Antoniolli and Veneziano, 2005, p60) در حقوق هلند نیز چنین تعهدی را ضمنی دانسته‌اند. (Busch, 2002, p52) در برخی از دعاوی مطرح‌شده در حقوق انگلیس، مبنای چنین تکلیفی، شرط ضمنی در نظر گرفته شده است. (Steensma, 2002, p9) همچنین در حقوق امریکا، وظیفه همکاری دولت به‌عنوان متعهدله در قراردادهای پیمانکاری دولتی، یکی از تعهدات

1. Mackay v. Dick (1881) 6 APP.Cas.251, 263; Luxor (Eastbourne) Ltd v. Cooper (1941) AC 108 (HL)

ضمنی دولت در نظر گرفته شده و آرای متعددی در تأیید این نظر صادر شده است. (Cibinic and others, 2006, p299) محاکم استرالیا در دعاوی متعددی اظهار عقیده نموده‌اند که یک قاعده کلی وجود دارد مبنی بر اینکه هر طرف قرارداد به نحو ضمنی می‌پذیرد هر آنچه برای اجرای قرارداد از سوی طرف مقابل ضرورت دارد، انجام دهد.^۱ (Warren, 2010, p356)

۲. اصل حسن نیت

مهم‌ترین مبنایی که برای تعهد همکاری در نظام حقوقی رومی-ژرمنی بیان شده، اصل حسن نیت است. در حقوق آلمان، رعایت حسن نیت در قراردادها در ماده ۲۴۲ قانون مدنی این کشور بیان شده و تکلیف همکاری متعهدله براساس حکم ماده مذکور، مورد تأیید قرار گرفته و این‌گونه اظهار نظر شده است که اصل حسن نیت اقتضا دارد طرفین قرارداد با یکدیگر همکاری نمایند؛ زیرا در برخی موارد، اجرای قرارداد از سوی متعهد به انجام پاره‌ای از اقدامات از سوی متعهدله وابسته است. (Markesinis, 2006, p128) به نظر برخی از حقوق‌دانان آلمانی، سکوت قانون‌گذار به معنای عدم شناسایی تعهد کلی متعهدله به همکاری در اجرای تعهدات طرف دیگر نیست؛ بلکه چنین قواعدی، اساسی و پذیرفته شده است و تصریح به آن لزومی ندارد. (Basedow, 1995, p5)

اگرچه محاکم فرانسه تا پایان قرن نوزدهم به اهمیتی که دادگاه‌های آلمان به اصل حسن نیت داده بودند، قائل نبودند، لکن امروزه اصل حسن نیت و وظیفه همکاری در رویه قضایی فرانسه تأیید شده است. قسمت سوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه مقرر داشته است که قراردادها باید با حسن نیت اجرا شوند. حقوق‌دانان فرانسوی این ماده را چنین تفسیر نموده‌اند که اجرای با حسن نیت قرارداد، دو وظیفه را بر طرفین تحمیل می‌کند؛ وظیفه اقدام صادقانه و وظیفه همکاری. اصل حسن نیت در اجرای قرارداد به طور ضمنی وظیفه همکاری را میان طرفین برقرار می‌سازد. به عنوان مثال، در انتشار یک کتاب، نویسنده باید پیش‌نویس‌ها را اصلاح و به ناشر

1. Butt v. Mc Donald (1896) 7 GLJ 68; Secured Income v. St Martins (1979) 144 CLR 596; Maitland Main Collieries Pty Limited v. Xstrata Mt Owen Pty Limited (2006) NSWSC 1235; Esso Australia Resources Pty Ltd v. Southern Pacific Petroleum NL (2005) VSCA 228.

عودت دهد تا اجرای تعهد از سوی ناشر میسر شود. (Weill and Terre, 1986, p360)
براین اساس، محاکم فرانسه در برخی دعاوی، تعهد همکاری را بر مبنای حسن نیت مورد تأیید
قرار داده‌اند. (Bar and others, 2009, p688)

البته برخی معتقدند مبنای تعهد همکاری، اخلاق است و ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه از
قضات انتظار دارد که مفهوم اخلاقی حسن نیت را جستجو کنند. (Diesse, 1999, p271)

در حقوق ایتالیا نیز تکلیف همکاری متعهدله مبتنی بر حسن نیت است. به موجب ماده
۱۳۷۵ قانون مدنی این کشور، قرارداد باید بر اساس حسن نیت اجرا شود. لازمه اجرای
حسن نیت، اقدامات متنوعی است که یکی از آنها، وظیفه همکاری است.
(Antoniolli and Veneziano, 2005, p59)

بر اساس بند ۱ بخش ۴ قانون مدنی جدید مجارستان، وظیفه همکاری یکی از شیوه‌هایی
است که بیانگر رفتار با حسن نیت است. (Bar and Clive, 2009, p689)

در حقوق کشورهای عربی، یکی از مصادیق رعایت حسن نیت در چهره تعهد به همکاری
ظاهر شده است. (سنهوری، ۱۹۷۴، ص ۶۲۸) بند ۱ ماده ۱۴۸ قانون مدنی مصر، بند ۱ ماده ۱۴۹
قانون مدنی سوریه، بند ۱ ماده ۱۵۰ قانون مدنی عراق، بند ۱ ماده ۱۴۹ قانون تجارت کویت و
بند ۱ ماده ۱۳۹ قانون مدنی سودان با مضمونی واحد مقرر نموده‌اند که اجرای قرارداد باید با
حسن نیت انجام پذیرد همین امر با عبارتی دیگر در ماده ۲۲۱ قانون تعهدات و عقود لبنان تأیید
شده است. (فرج‌الصدّه، ۱۹۷۴، ص ۴۷۳)

در حقوق کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لا، برخلاف نظام حقوقی رومی-ژرمنی، کمتر به
حسن نیت پرداخته می‌شد؛ اما امروزه این قاعده در حقوق انگلیس نیز توسعه یافته و در برخی
مقررات قانونی بدان تصریح شده است. البته باید اذعان نمود که دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در
گسترش مفهوم حسن نیت در حقوق انگلیس مؤثر بوده است. در مقررات شروط غیر منصفانه
قراردادهای مصرف‌کننده^۱ مصوب ۱۹۹۴ و مقررات نمایندگی بازرگانی^۲ مصوب ۱۹۹۳ که هر دو

1. Council Directive 93/13/EEC, OJ 1993, L95/29: implemented in the UK by the Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1994, SI 1994/3159.

2. Council Directive 86/653/EEC, OJ 1986, L382/17: implemented in the UK by the Commercial Agents (Council Directive) Regulations 1993, SI 1993/3053.

براساس دستورالعمل‌های جامعه اقتصادی اروپا تدوین گردیده، رعایت حسن‌نیت تصریح شده است.
(Mac Queen, 1999, p9)

در حقوق آمریکا، تعهد حسن‌نیت در اجرای قرارداد در ماده ۲۰۳-۱ قانون یکنواخت بازرگانی این کشور بیان شده است. اگرچه مصادیق حسن‌نیت در این ماده بیان نشده، در بخش ۲۰۵ شرح دوم قراردادها، یکی از مصادیق رفتار خلاف حسن‌نیت، قصور از وظیفه همکاری در نظر گرفته شده است. (Banakas, 2009, p6)

ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا به تکلیف همکاری متعهدله اشاره نموده و ماده ۲۰۱-۱ به قاعده کلی حسن‌نیت و معامله منصفانه اختصاص یافته است. همین وضعیت در پیش‌نویس طرح مشترک مرجع و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ملاحظه می‌شود.

بنابراین ارتباط اصل حسن‌نیت با موضوع بحث حاضر، امری مسلم است و به همین دلیل در اصول و مقررات یادشده پس از ذکر قاعده کلی حسن‌نیت، تعهد همکاری به‌عنوان یکی از مصادیق آن مستقلاً بیان شده است.

در حقوق ایران با اینکه قانون مدنی اشاره‌ای به رعایت حسن‌نیت به‌عنوان قاعده کلی ننموده است، اما از مواد متعددی به‌طور ضمنی می‌توان ضرورت رعایت حسن‌نیت در قراردادها را ملاحظه نمود. (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۸۰) همچنین در قانون تجارت الکترونیکی ایران مصوب ۱۳۸۲، رعایت حسن‌نیت الزامی تلقی شده است. بنابراین اگر در حقوق ما وظیفه اجرای قرارداد براساس حسن‌نیت تأیید شود، می‌توان گفت قصور در وظیفه همکاری می‌تواند به‌عنوان نقض اصل حسن‌نیت تلقی شود. برخی معتقدند حسن‌نیت در حقوق ایران به‌عنوان قاعده کلی به رسمیت شناخته نشده است؛ (اصغری و ابوی، ۱۳۸۹، ص ۱۹) اما باید توجه داشت که عدم شناسایی چنین اصلی، نقصانی فاحش در حوزه تعهدات و قراردادهاست که زیبنده هیچ نظام حقوقی نیست. مصادیق متعدد نهی شارع از اعمال خلاف حسن‌نیت مانند نهی از غش، تغیر، تلقی رکیبان و تدلیس، دلالت بر توجه حقوق اسلام به این مفهوم و تأیید آن دارد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۷)

۳. عرف و عادت

یکی از مبانی تعهدات قراردادی، عرف و عادت است. ماده ۲۲۰ قانون مدنی ایران، طرفین را به

اجرای کلیه نتایجی که از عرف و عادت حاصل می‌شود، ملزم نموده است؛ از این‌رو، هرگاه انجام عملی از سوی طرفین قرارداد، متعارف یا مبتنی بر عادت پیشین باشد، باید اجرا شود. در این میان، وظیفه همکاری متعهدله نیز می‌تواند مبتنی بر عرف و عادت باشد. همان‌گونه که در ماده ۳-۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بیان شده است، وظیفه همکاری هنگامی تحقق می‌یابد که به‌نحو متعارفی برای اجرای تعهدات متعهد، ضروری باشد. همین وضعیت در ماده ۱-۱۰۴ کتاب سوم از پیش‌نویس طرح مشترک مرجع ملاحظه می‌شود. در ماده ۴۵۲: ۷ قانون مدنی هلند، همکاری بیمار با پرستار براساس آنچه که عرف اقتضا دارد، در اجرای قرارداد درمانی لازم تلقی شده است.^۱ بنابراین می‌توان گفت هرگاه در اجرای قرارداد از سوی متعهد، همکاری متعهدله براساس عرف ضرورت داشته باشد، چنین تکلیفی لازم‌الاجراست.

قلمرو تکلیف همکاری

۱. قراردادهای مشمول

در قراردادهایی که هم‌زمان با انعقاد قرارداد، کامل می‌شود و آثار آن جریان می‌یابد، دیگر تعهدی برای طرفین باقی نمی‌ماند تا همکاری طرف مقابل موضوعیت یابد؛ چنین تکلیفی در قراردادهای طولانی‌مدت که طرفین مکلف به انجام تعهداتی در مقابل یکدیگر هستند، ظاهر می‌شود.

در حقوق انگلیس، وظیفه همکاری در قراردادهای طولانی‌مدت^۲ تأیید شده است. نمونه بارز این قراردادهای، پیمانکاری است که برداشتن قدم‌های ضروری برای قادر ساختن پیمانکار به ایفاء تعهدات خود، وظیفه همکاری کارفرما تلقی شده است. البته گفته شده وظیفه همکاری در چنین قراردادهایی بدین‌جهت معمولاً ناظر به همکاری کارفرماست که در بیشتر موارد، پیمانکار طرف ضعیف^۳ قرارداد است. (Murdoch and Hughes, 2008, p172)

در حقوق ایتالیا، قراردادهای کار، پیمانکاری ساختمان و خدمات، از جمله قراردادهایی است که وظیفه همکاری در آنها تأیید شده است. (Antoniolli and Veneziano, 2005, p60)

1. www.dutchcivillaw.com
 2. Long Term Contracts
 3. Weak Party

باین وجود، نمی‌توان این تکلیف را محدود به قراردادهای طولانی مدت نمود؛ زیرا در قراردادهای دیگر نیز وجود چنین تکلیفی متصور است. به‌عنوان مثال، هرگاه عقد بیعی واقع شود و مبیع، حیوانی باشد که امکان فرار او هنگام تسلیم وجود داشته باشد، خریدار برای قبض حیوان مکلف است با فروشنده همکاری کند تا وی بتواند با تسلیم حیوان، تعهد خود را ایفا کند و منافع قرارداد را مطالبه نماید. از این روست که در حقوق برخی کشورها مانند ماده ۹۱ قانون تعهدات سوئیس، متعهدله‌ای که از دریافت بدهی عرضه‌شده به او خودداری نماید، ناقض قرارداد تلقی می‌شود. (واحدی، ۱۳۸۷، ص ۳۶)

این تکلیف علاوه بر حقوق داخلی کشورها، در قراردادها و اسناد بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. برخی تعهد به دادن اطلاعات به طرف مقابل را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق تکلیف همکاری در قراردادهای بین‌المللی دانسته‌اند. (Guilbeault, 1997, p315)

۲. حدود همکاری متعهدله

از آنجاکه تعهد همکاری متعهدله در موارد متعددی ضمنی است، میزان آن در مرحله اجرا باید مشخص گردد. در این خصوص برخی حقوق‌دانان انگلیسی برداشتن قدم‌های معقول و ضروری از سوی متعهدله را لازم تلقی نموده‌اند؛ (Murdoch and Hughes, 2008, p172) اما در برخی از آرای محاکم استدلال شده است که درجه همکاری لازم در هر قضیه‌ای، بسته به تعهداتی است طرفین به‌عهده گرفته‌اند، نه معیار متعارف. (Steensma, 2009, p4)

در پرونده‌ای^۱ در امریکا، دادگاه وظیفه متعهدله را اقدامات مثبت برای همکاری با طرف دیگر جهت رسیدن به هدف قرارداد تعیین کرده است. (Weigand, 2004, p183) در تعدادی از آرای محاکم استرالیا^۲، وظیفه همکاری شامل هر موردی است که انجام آن برای قادر ساختن متعهد به اجرای قرارداد، به‌نحو متعارف و معقول ضرورت داشته باشد، ولو آنکه در قرارداد تصریح نشده باشد. (Warren, 2010, p356) برخی نیز بیان داشته‌اند میزان تکلیف همکاری در هر قرارداد باید به مقدار مورد نیاز محدود گردد. (Kuehne, 2006, p70)

1. Brennan v. Carrel Corp (1989U.S. Dist. LEXIS 16104)
2. Butt v. Mc Donald (1896) 7 QJL 68.

برخی معتقدند استفاده از واژه ضرورت^۱ برای روشن ساختن محدوده همکاری متعهدله، کافی و مناسب نیست؛ بلکه باید تشخیص داد هر اقدامی که برای اجرای قرارداد لازم است، بهتر است توسط کدام یک از طرفین عقد صورت پذیرد. (Burrows, 1968, p403) از دیدگاه برخی حقوق دانان آلمانی، قلمرو دقیق وظیفه متعهدله به همکاری فقط با در نظر گرفتن اوضاع و احوال حاکم بر قضیه در هر مورد قابل تعیین است. (Markesins and others, 2006, p128)

در حقوق فرانسه، وظیفه همکاری متعهدله شامل اقدامی است که اجرای قرارداد را برای متعهد تسهیل نماید.^۲ این ایده از لزوم همکاری طرفین برای نیل به هدف مشترک نشأت یافته است. (Weill and Terre, 1986, p360; Le Tourneau et Poumarède, 2009, n^o84) تحلیل قراردادهای بین المللی نیز برخی معیار تسهیل اجرای تعهد را مطرح نموده اند. (Guilbeault, 1997, p324)

به نظر برخی، متعهدله باید خود را در موقعیت متعهد در نظر گیرد تا سختی های وی برای تسهیل اجرای تعهدات را شناسایی کند؛ متعهد نیز باید نیازهای متعهدله را بشناسد و انتظارات مشروع او را برآورده سازد. چنین تعهدی، تعهد متقابل^۳ است. (Diesse, 1999, pp277-278) به عنوان مثال، دادگاهی در پاریس^۴ مقرر نمود در قراردادی که به منظور ترجمه متن انعقاد یافته است، مترجم باید مشکلات ترجمه را به سفارش دهنده اعلام کند و او نیز وظیفه دارد مشکلات ارائه شده را کنترل کند. (Diesse, 1999, pp277-278)

در شرح رسمی اصول حقوق قراردادهای اروپا، ذیل ماده ۲۰۲-۱ از معیار «رخصت» استفاده شده و مقرر گردیده وظیفه همکاری، همان رخصت و اجازه اجرای قرارداد به طرف مقابل است. (Lando and Beale, 2000, p119) در ماده ۱:۱۰۴ از کتاب سوم پیش نویس طرح مشترک مرجع^۵، وظیفه همکاری تا زمانی که برای اجرای تعهد متعهد متعارف و معقول است، لازم تلقی شده است. (Bar and Clive, 2009, p685)

1. Necessity

2. L'obligation de faciliter l'exécution du contrat

3. Reciprocal

4. Paris, 8e ch. Sect. A 28 novembre 1983, Juris-data n° 25847

5. III. 1:104 (DCFR)

با توجه به اینکه مبنای اصلی وظیفه همکاری، اصل حسن نیت است، برخی معتقدند متعهدله در محدوده اصل حسن نیت، تکلیف همکاری دارد. (فرج‌الصد، ۱۹۷۴، ص ۴۷۳)

از مجموع معیارهای ذکر شده نمی‌توان نظر قاطعی استنباط نمود. اصل حسن نیت مفهومی کلی است و نمی‌توان آن را معیار دقیقی برای تعیین تکالیف متعهدله در نظر گرفت؛ هرچند در تشخیص محدوده همکاری، توجه به این اصل ضروری است. سایر معیارها از جمله معیار «ضرورت» و «معقولیت یا متعارف بودن» می‌تواند راهنمای دادرس در تشخیص موضوع باشد. همچنین نمی‌توان به استناد «تسهیل اجرای قرارداد» هر تکلیفی را بر متعهدله بار نمود؛ زیرا در شرایطی که متعهد قادر بر انفا‌ی تعهد خویش است، ممکن است موجب سوءاستفاده او شود و از متعهدله بخواهد که اجرای تعهد را بر او آسان سازد. بنابراین به نظر می‌رسد قاضی در هر قضیه و قراردادی باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه و توجه به عرف و شروط صریح و ضمنی قرارداد، میزان تعهد متعهدله را شناسایی کند.

در مواردی استدلال شده است که وظیفه همکاری متعهدله باید به صورت مشترک با متعهد اجرا شود؛ مانند موردی که تهیه مجوز از شخص ثالث، نیاز به همکاری مشترک آن دو دارد. (Lando and Beale, 2000, p121) همچنین هنگامی که شخص ثالثی منافع طرف متعهد را تهدید کرده است، تکلیف همکاری متعهدله برای حمایت از متعهد در قبال ثالث، احتمال داده شده است. (Lando and Beale, 2000, p121)

لازم به ذکر است هرگاه تردید شود اجرای فعل معینی، وظیفه همکاری متعهدله محسوب می‌شود یا خیر، بر اساس قاعده وجوب مقدمه امر واجب، متعهد شخصاً باید اقدام مزبور را انجام دهد؛ زیرا اجرای اصل تعهد صریحاً در عقد به او محول شده و اجرای مقدمه آن نیز بر او لازم‌الوفاست.

۳. نوع همکاری متعهدله

تکلیف همکاری متعهدله را نمی‌توان به موارد خاصی محصور نمود؛ این تکلیف در مواردی چنان گسترده است که در ابتدای انعقاد قرارداد در ذهن طرفین نمی‌گنجد. به طور کلی می‌توان چنین تکلیفی را در دو قسم فعل مثبت و فعل منفی قرار داد.

۳.۱. فعل مثبت

یکی از مصادیق همکاری متعهدله، ارائه اطلاعات لازم به متعهد برای قادر ساختن وی به اجرای مفاد عقد است؛ چنین اقدامی، فعل مثبت تلقی می‌شود. به‌عنوان مثال، در قانون مدنی هلند، ارائه اطلاعات از سوی بیمار ضرورت دارد. همچنین در مواردی که موجر مکلف به انجام تعمیرات اساسی برای بقای عین مستأجره است، همکاری مستأجر در مطلع ساختن وی از وضعیت مورد اجاره به‌موجب ماده ۵۷۰ قانون مدنی مصر لازم تلقی شده است. (سنه‌وری، ۱۹۷۴، ص ۶۲۹)

یکی از مصادیق فعل مثبت، وظیفه همکاری متعهدله برای اخذ مجوز از مراجع دولتی و نهادهای مربوط است؛ نقض این وظیفه در حقوق آلمان، مخالف اصل حسن‌نیت است. (Lando and Beale, 2000, p121)

یکی دیگر از مصادیق فعل مثبت، پذیرش فعل متعهد در مقام ایفای تعهد ناشی از عقد از سوی متعهدله است؛ به‌عنوان مثال، هرگاه متعهدی کالای مورد سفارش را تهیه و تسلیم متعهدله نماید، قبض آن از سوی متعهدله، وظیفه همکاری او در اجرای تعهد طرف مقابل محسوب می‌شود. این وظیفه در شرح چهارم از ماده ۲۰۱-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا به‌عنوان تکلیف همکاری متعهدله در نظر گرفته شده است. (Lando and Beale, 2000, p121)

در رویه قضایی و دکترین حقوقی فرانسه نیز تعهد به‌دادن اطلاعات به طرف مقابل، یکی از اقسام تعهد به همکاری تلقی شده است. (Le Tourneau, 2009, n77) در حقوق انگلیس نیز تعهد به دادن اطلاعات لازم، صورت ویژه‌ای از وظیفه همکاری متعهدله است. (Steensma, 2009, p4) در ماده ۲:۱۰۳ از کتاب پنجم بخش C پیش‌نویس طرح مشترک مرجع، ارائه اطلاعات از سوی مشتری به تهیه‌کننده خدمات و کالا، لازم تلقی شده است؛ در ماده ۳:۱۰۲ نیز همکاری کارفرما در تحویل محلی که عملیات ساختمانی در آن صورت خواهد گرفت، تکلیف همکاری تلقی شده است. (Bar and Clive, 2009, p1707)

۳.۲. ترک فعل

تکلیف همکاری متعهدله گاهی نیز به‌صورت ترک فعل است. به‌عنوان نمونه، در حقوق انگلیس برداشتن قدم‌های معقول و ضروری از سوی متعهدله برای قادر ساختن متعهد به اجرای قرارداد، شامل قدم‌های مثبت و منفی است؛ (Markesins and Hughes, 2008, p172) مثلاً هرگاه

شخص پس از خریداری مقدار معینی نفت با شرط تحویل فوری، کل نفت موجود در بازار را خود خرید کند، چنین اقدامی مانع اجرای تعهد فروشنده و مغایر وظیفه همکاری خریدار است. (اخلاقی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۶۴)

در حقوق فرانسه نیز هر دو فعل مثبت و منفی به عنوان اقسام تکلیف همکاری شمرده می شود. (Diesse, 1999, p282)

یکی از حقوق دانان ما بیان داشته هرگاه کسی با نقاشی قراردادی منعقد نماید که تصویری را ظرف دو ماه نقاشی کند و پس از چند روز، نقاش در اثر صدور اجرائیه از طرف متعهدله نسبت به طلبی که از او دارد توقیف شود، متعهد را نمی توان ناقض قرارداد تلقی کرد و او را مسئول خسارت وارده بر متعهدله دانست؛ اگرچه اقدام متعهدله در صدور اجرائیه خلاف قانون نبوده است. (امامی، ۱۳۷۳، ص ۲۴۰) اگرچه در نظریه مذکور صریحاً بر تکلیف همکاری متعهدله اشاره ای نشده است، لکن به طور ضمنی می توان نتیجه گرفت متعهدله در راستای اجرای قرارداد، نباید به نحو مذکور اقدام می نمود.

گاهی ممکن است انجام توأم فعل مثبت و منفی در اجرای تکلیف همکاری از سوی متعهدله ضرورت داشته باشد؛ مانند اینکه شخصی که قرار است از چهره او نقاشی کشیده شود، باید روی صندلی بنشیند (فعل مثبت) و درعین حال، حرکت نکند (فعل منفی).

۴. زمان همکاری متعهدله

همکاری متعهدله فقط در زمان متعارف به عنوان تکلیف او در نظر گرفته می شود. به عنوان مثال، طراح مد لباس متعهد می شود قرارداد را براساس دستورالعمل خریدار اجرا نماید، اما تماس های نیمه شب وی جهت کسب نظر سفارش دهنده، بی پاسخ می ماند. چنین اقدامی از سوی متعهدله، نقض وظیفه همکاری محسوب نمی شود؛ زیرا درخواست همکاری در زمان معقولی صورت نگرفته است. (Bar and Clive, 2009, p1360)

۵. وابستگی منافع قراردادی متعهد به همکاری متعهدله

هنگامی که متعهدله به تکلیف همکاری خود عمل نمی کند، دو فرض قابل بررسی است؛ حالت اول موردی است که به واسطه عدم همکاری، متعهد متحمل خسارت می شود و منافع قراردادی او به مخاطره می افتد و در فرض دوم، عدم انجام تکلیف همکاری، فاقد چنین اثری است.

در شرح رسمی اصول حقوق قراردادهای اروپا، ذیل ماده ۲۰۲-۱ به این نکته توجه و بیان شده است که تکلیف همکاری متعهدله هنگامی وجود دارد که متعهد، منافی در اجرای آن داشته باشد. به عنوان مثال، هرگاه پرداخت حق الزحمه پیمانکار، فرع بر اجرای کامل قراردادی است که بدون همکاری متعهدله ممکن نیست، متعهدله مکلف به همکاری است؛ مانند موردی که احداث ساختمان نیازمند اخذ مجوز با اقدام متعهدله است. (Lando and Beale, 2000, p119) همچنین ذیل همین ماده، امتناع متعهدله از قبول کالای فروخته شده، اعم از آنکه ثمن پرداخت شده یا نشده باشد، نقض وظیفه همکاری تلقی شده است؛ زیرا در چنین وضعی فروشنده ناگزیر است زحمت نگهداری مبیع و هزینه های آن را تحمل نماید. (Lando and Beale, 2000, p119) اما هرگاه عدم پذیرش اجرا، هیچ گونه زبانی به متعهد وارد ننماید، عدم اقدام متعهدله، نقض وظیفه همکاری تلقی نمی شود. به عنوان مثال، هرگاه شخصی بلیط تئاتری خریداری نموده و پیشاپیش بهای آن را پرداخته باشد، عدم قبض بلیط، نقض وظیفه همکاری تلقی نمی شود؛ زیرا صاحب تئاتر در تسلیم بلیط به خریدار، منفعتی ندارد. (Lando and Beale, 2000, p119)

نمونه دیگری که در حقوق فرانسه مطرح شده، منافع موجد در اطلاع یافتن از عیوب اساسی عین مستأجره است؛ زیرا با انجام چنین تکلیفی از سوی متعهدله (مستأجر)، موجد می تواند مورد اجاره را تعمیر و از وقوع خسارت به اموال خود جلوگیری نماید. (Weill and Terre, 1986, p360)

شایان توجه است کوچک ترین منفعت متعهد در همکاری متعهدله سبب خواهد شد عدم اقدام وی، نقض وظیفه همکاری تلقی شود.

۶. عدم همکاری متعهدله به استناد حق حبس

متعهدله موظف است طبق عرف و عادت یا تعهدات ضمنی با رعایت اصل حسن نیت، هرآنچه لازمه اجرای تعهد از سوی متعهد است و در قلمرو تکلیف همکاری می گنجد، انجام دهد. با این حال، چنین تعهدی مانند هر تعهد دیگر مشمول قواعد حق حبس قرار می گیرد.

در شرح رسمی اصول حقوق قراردادهای اروپا، ذیل ماده ۲۰۲-۱ بیان شده است که اگر وظیفه همکاری وابسته به تعهد اجرانشده طرف مقابل باشد، متعهدله می تواند از حق حبس استفاده نموده و تکلیف همکاری را نادیده بگیرد. (Lando and Beale, 2000, p121) در شرح رسمی پیش نویس طرح مشترک مرجع نیز بیان شده است که در تعهد همکاری نیز می توان

به حق حبس استناد نمود و آن را موکول به اجرای تعهدات طرف مقابل کرد.
(Bar and Clive, 2009, p687)

باید توجه داشت که اگر همکاری متعهدله مقدمه اجرای تعهد طرف مقابل باشد، استناد به حق حبس ممکن نیست؛ اما چنانچه انجام تعهد همکاری موکول به پرداخت هزینه آن از سوی طرف مقابل باشد، مادامی که هزینه پرداخت نشده، می‌توان از انجام تکلیف همکاری به استناد حق حبس خودداری نمود.

آثار نقض تعهد همکاری

در صورتی که متعهدله به تکلیف همکاری خود عمل نکند و این اقدام، اجرای قرارداد از سوی متعهد را ناممکن سازد، باید ضمانت اجرای آن را بررسی کرد. از آنجاکه در بیشتر قراردادها همه مصادیق تعهدات همکاری متعهدله تصریح نمی‌شود، ممکن است در پاره‌ای از آثار نقض چنین تعهداتی، تردید حاصل شود.

به نظر برخی، تکلیف همکاری نیز یک تعهد است و مانند سایر تعهدات، نقض آن طرف دیگر را محق می‌سازد تا به طرق مختلف ضمانت اجرای نقض قرارداد مانند فسخ، مطالبه خسارت یا اجرای عین تعهد متوسل شود. (Busch, 2002, p53) بند ۴ ماده ۳۰۱-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا، نقض تکلیف همکاری را به عنوان یکی از مصادیق نقض قرارداد شمرده است.

برخی از اقسام ضمانت‌های اجرایی با یکدیگر قابل جمع هستند؛ از این رو متعهدی که با نقض وظیفه همکاری از سوی متعهدله روبه‌رو شده، می‌تواند به طرق گوناگون متوسل گردیده و مثلاً ضمن فسخ قرارداد، خسارت وارد شده را نیز مطالبه نماید. در شرح رسمی ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا بیان شده است که نقض تکلیف همکاری، علاوه بر اینکه متعهد را از اجرای تعهد معاف می‌کند، به او اجازه می‌دهد که به قرارداد خاتمه داده و خسارت وارد شده را نیز مطالبه نماید؛ زیرا در چنین وضعیتی، متعهدله، خود مسئول است و نمی‌تواند در برابر عدم اجرای تعهد از سوی متعهد، به هیچ‌کدام از طرق ضمانت اجرا متوسل گردد.

(Lando and Beale, 2000, p119-120)

پیش از بیان اقسام ضمانت اجراهای نقض تکلیف همکاری، لازم به ذکر است عدم اجرای

تعهد همکاری، همان اثر خودداری از اجرای هر تعهد قراردادی دیگر را به دنبال دارد.

۱. الزام متعهد به انجام تکلیف همکاری

یکی از مهم‌ترین اقسام ضمانت اجرای نقض قرارداد، اجرای عین تعهد^۱ است. مواد ۴۷۶، ۳۹۵، ۲۳۷ و برخی دیگر از مواد قانون مدنی ایران بر این ضمانت اجرا دلالت دارد. از این رو هرگاه احراز شود متعهدله وظیفه همکاری را نقض نموده است، می‌توان براساس قواعد حقوق ایران، الزام وی را به انجام همکاری از دادگاه مطالبه نمود.

۲. مطالبه خسارت

ضمانت اجرای دیگر نقض قرارداد، مطالبه خسارت است که در ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران بدان اشاره شده است.

به نظر برخی حقوق‌دانان آلمانی، تجاوز از وظیفه همکاری سبب می‌شود متعهد، استحقاق مطالبه خسارت را پیدا کند. (Zimmermann, 2002, p23) در بند ۱ ماده ۶۴۲ قانون مدنی آلمان، در خصوص قراردادهای تولید محصولات بیان شده که اگر در جریان تولید کالا، انجام عملی از سوی مصرف‌کننده (مشتری) ضرورت داشته باشد، در صورت عدم همکاری او، تولیدکننده می‌تواند خسارت متعارف را مطالبه نماید. (Markesinis and others, 2006, p156) در حقوق ایتالیا نیز مطالبه خسارت ناشی از نقض تکلیف همکاری توسط برخی نویسندگان تأیید شده است. (Antoniolli and Veneziano, 2005, p59) با توجه به اینکه حسب شرح اصول حقوق قراردادهای اروپا، در صورت نقض تعهد همکاری می‌توان به هریک از اقسام ضمانت اجراها متوسل شد، مطالبه خسارت نیز در این سند بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است. (Lando and Beale, 2000, p119)

۳. فسخ قرارداد

فسخ قرارداد به دلیل نقض تکلیف همکاری تحت شرایطی در برخی از اسناد بین‌المللی مانند ماده ۳۰۱-۹ اصول حقوق قراردادهای اروپا شناسایی شده است. طبق ماده ۹۵ قانون تعهدات سوئیس، اگر موضوع تعهد تسلیم کالا باشد، در صورت

1. Specific Performance

استنکاف طلبکار از قبول آن، بدهکار می‌تواند قرارداد را فسخ نماید. (قانون تعهدات سوئیس، ۱۳۷۸، ص ۳۷).

در حقوق ما امکان فسخ قرارداد توسط متعهد به هنگام نقض تکلیف همکاری از سوی متعهدله پیش‌بینی نشده و تنها راه‌حل، توسل به مواد ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی است. بدیهی است طرفین قرارداد می‌توانند حق فسخ عقد به جهت نقض تکلیف همکاری را میان خود مقرر نمایند.

۴. ایفای تعهد از طریق رجوع به دادگاه

برخی تعهدات به گونه‌ای است که در صورت عدم همکاری متعهدله، امکان اجرای آن از طریق محکمه وجود دارد؛ مثلاً هرگاه خریدار از قبول کالا خودداری نماید، فروشنده می‌تواند به استناد ماده ۲۷۳ قانون مدنی ایران^۱، موضوع تعهد را به حاکم تسلیم نموده و از تعهدبری شود. این امکان نتیجه نقض تکلیف همکاری است.

در مواد ۹۲ و ۹۳ قانون تعهدات سوئیس مقرر شده بدهکاری که در مقابل طلبکار مستنکف قرار گرفته، می‌تواند مال را با نظر قاضی به امانت گذارد یا حتی آن را بفروشد. (قانون تعهدات سوئیس، ۱۳۷۸، ص ۳۶)

طبق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی ایتالیا، اگر متعهدله بدون سبب قانونی ایفایی که صورت گرفته را قبول نکند، مقصر تلقی می‌شود. (Antoniolli and Veneziano, 2005, p59)

۵. ضمانت اجرای قراردادی

طرفین قرارداد می‌توانند در حدود قوانین، نتیجه پیمان‌شکنی را در قرارداد تصریح کنند؛ از جمله اینکه توافق کنند هرگاه یکی از آنان از انجام تکلیف همکاری خودداری نماید، طرف مقابل حق فسخ قرارداد را داشته باشد. درج چنین حق فسخی علاوه بر آنکه اجرای قرارداد را تضمین می‌نماید، به متعهد حق می‌دهد تا در مواجهه با نقض تکلیف همکاری، بدون آنکه علت قانونی برای فسخ قرارداد جستجو کند، به قرارداد خاتمه دهد. در صورتی که شرط انفساخ عقد

۱. «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند، متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم‌مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام، مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید، نخواهد بود.»

مورد توافق قرار گیرد، هم‌زمان با وقوع نقض تکلیف همکاری، قرارداد به‌صورت خودکار منحل خواهد شد.

از معایب درج‌چنین شروطی آن است که احتمال دارد طرفین در تشخیص مصداق همکاری نظر واحدی نداشته باشند. البته می‌توان تا حد امکان مصادیق همکاری را در متن قرارداد گنجانده؛ با این توضیح که حتی در فرض تصریح به مصادیق نیز نباید آنها را حصری تلقی نمود؛ مگر اینکه طرفین، موارد تعهد همکاری را منحصر به موارد مصرح نمایند. از شروط دیگری که می‌تواند اثر نقض تکلیف همکاری را میان طرفین مشخص سازد، پیش‌بینی وجه التزام عدم انجام تعهد یا تأخیر انجام تعهد است (ماده ۲۳۰ قانون مدنی) که هر دو در نقض تکلیف همکاری متعهدله می‌تواند موضوعیت داشته باشد.

۶. انتقال تعهد همکاری به متعهد

در مواردی که متعهدله از انجام تعهد همکاری خودداری کند و اجرای آن توسط متعهد ممکن باشد، می‌توان مقرر نمود که اجرای تکلیف همکاری به متعهد منتقل شده و هزینه‌های ناشی از این انتقال نیز مشخص شود. چنین اثری می‌تواند مبتنی بر قانون یا توافق طرفین باشد.

یکی از این موارد، انتخاب اندازه و شکل کالای مورد معامله توسط خریدار است؛ اگر وی از انجام چنین تعهدی امتناع نماید، اجرای آن توسط فروشنده، بهترین شیوه جبران نقض تعهد همکاری به‌شمار می‌رود؛ چراکه در کمترین زمان و بدون نیاز به مراجعه به دادگاه و صرف هزینه، مصداق مورد معامله به‌وسیله فروشنده انتخاب می‌شود.

به‌موجب بند ۱ ماده ۶۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین)، اگر تعیین شکل، اندازه یا دیگر جنبه‌های کالا به خریدار واگذار شده باشد و او از انجام چنین اختیاری خودداری نماید، فروشنده می‌تواند رأساً و براساس نیازهای خریدار این اقدام را انجام دهد. (Honnold, 1991, p447-448)

در موارد دیگری نیز اعمال این قاعده موجه و منطقی است؛ مانند موردی که انتخاب اجرای یکی از دو موضوع تعهد با متعهدله بوده و او از تعیین آنچه که باید توسط متعهد اجرا شود، خودداری می‌نماید. این وضعیت در قرارداد وکالت و نمایندگی می‌تواند مصداق داشته باشد.

۷. اثر شرط خلاف تعهد همکاری

سؤال این است که آیا طرفین قرارداد می‌توانند مقرر نمایند که طرف عقد، تعهدی مبنی بر همکاری با طرف مقابل در راستای اجرای قرارداد نخواهد داشت؟ اثر شرط مذکور این است که متعهدله، تکلیفی به همکاری با متعهد ندارد و متعهد نیز در صورت عدم امکان اجرای قرارداد و تحمل خسارت، حق توسل به هیچ‌یک از شیوه‌های جبران را نخواهد داشت.

در بدو امر ممکن است چنین به نظر رسد که براساس اصل آزادی قراردادهای، طرفین قادر به پیش‌بینی چنین شرطی هستند. برخی نیز معتقدند قاعده کلی این است که یک شرط ضمنی را می‌توان از رابطه قراردادی حذف نمود؛ شرط همکاری نیز می‌تواند مصداقی از این وضعیت باشد. حذف تکلیف همکاری، قرارداد را غیر قابل اجرا می‌نماید؛ باین‌حال، چنین نظری نیز مورد تردید واقع و چنین استدلال شده است که ممکن است طرفین اراده نمایند که فقط به تعهدات صریح در قرارداد عمل نمایند. (Kuehne, 2006, p6)

با در نظر گرفتن اینکه یکی از مبنای مهم تکلیف همکاری، اصل حسن‌نیت است، قضیه را باید در محدوده اصل مذکور بررسی کرد. در بخش ۲۰۳-۱ قانون متحدالشکل تجاری امریکا مقرر شده است که هر قرارداد، وظیفه حسن‌نیت در اجرای قرارداد را به طرفین تحمیل می‌کند و چنین وظیفه‌ای، جزو قواعد امری^۱ به‌شمار می‌رود. (Banakas, 2009, p6)

نگاهی به اسناد بین‌المللی نیز مؤید همین نظر است. در بند ۲ ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر شده است که طرفین نمی‌توانند تکلیف حسن‌نیت را مستثنا یا محدود نمایند. (Art 1.7 [2] Unidroit Principles 2010) همین وضعیت در بند ۲ ماده ۲۰۱-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا ملاحظه می‌شود. (Lando and Beale, 2000, p116) به‌موجب ماده ۱۰۳-۴ بخش IV.E پیش‌نویس طرح مشترک مرجع^۲، مقرر شده است که طرفین نمی‌توانند اجرای تعهد همکاری را محدود یا مستثنا نموده و یا آثار آن را تغییر یا کاهش دهند. (Bar and Clive, 2009, p358) از این رو می‌توان نتیجه گرفت در اسناد مذکور نوعی اتفاق نظر وجود دارد که به‌موجب آن، محدود یا مستثنا کردن تکلیف همکاری امکان‌پذیر نمی‌باشد.

1. Jus Cogens (Compelling Law)
2. DCFR (Draft Common Frame of Reference)

نکته‌ای که ذکر آن ضرورت دارد اینکه گاه امکان اجرای تکلیف همکاری‌ای که در حیطه وظایف متعهدله است، توسط شخص متعهد نیز امکان‌پذیر است. به‌عنوان مثال، در قراردادهای ساختمانی، اجرای تعهد از سوی پیمانکار هنگامی متصور است که کارفرما زمین محل پروژه را بدون هیچ مانعی در اختیار متعهد قرار دهد. باین‌وجود ممکن است شرط شود که تصرف و استیلاي پیمانکار بر زمین، جزو وظایف کارفرما تلقی نشود و پیمانکار رأساً چنین اقدامی را به‌عمل آورد؛ یا موردی که غاصبی در زمین موردنظر تصرف دارد و خلع ید او از محل اجرای پروژه به پیمانکار محول می‌شود و او می‌پذیرد.

در مقابل، بیشتر وظایفی که به‌عنوان تکلیف همکاری متعهدله در نظر گرفته می‌شود، از سوی متعهد قابلیت اجرا ندارد؛ مانند تعهد بیمار به همکاری با دندان‌پزشک یا تکلیف خریدار به قبض مبیع که در چنین حالتی، امکان محدود یا مستثنا نمودن تکلیف همکاری وجود ندارد؛ زیرا چنین شرطی عملاً قرارداد را غیر قابل اجرا می‌گرداند.

در حقوق ما می‌توان از شرط خلاف مقتضای عقد در تأیید استدلال یادشده بهره برد. همان‌گونه که برخی حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۸۲ و ۱۸۵) بیان داشته‌اند، شرطی مخالف مقتضای عقد است که موضوع اساسی یا اثر اصلی عقد را نفی کند. در بیشتر موارد شرط خلاف تکلیف همکاری نیز چنین نتیجه‌ای حاصل است؛ زیرا این شرط اثر اصلی عقد را که اجرای تعهد متعهد است، نفی می‌کند. باین‌حال توسل به استدلال مذکور و استناد به ماده ۲۳۳ قانون مدنی، نه تنها بطلان شرط، بلکه بطلان عقد را نیز به‌همراه دارد. در اسناد بین‌المللی نیز تنها ضمانت اجرای درج شرط خلاف حسن‌نیت (یا تعهد همکاری)، بی‌اثر بودن شرط مذکور است و عقد بدون شرط یادشده، قابلیت اجرا دارد.

تجزیه و تحلیل موضوع در حقوق ایران

همان‌گونه که بیان شد، نه‌تنها حکمی در خصوص تکلیف همکاری متعهدله در قوانین ما مشاهده نمی‌شود، بلکه حقوق‌دانان ما نیز به موضوع اشاره‌ای ننموده‌اند.

چنان‌که گذشت، عدم انجام تکلیف همکاری به متعهد امکان می‌دهد تا به هریک از ضمانت‌های اجرایی نظیر الزام متعهدله به اجرای تکلیف همکاری یا فسخ قرارداد یا مطالبه

خسارت متوسل شود. اما آنچه در حقوق ما بیشتر مورد توجه قرار گرفته، بحث مداخله متعهدله در عدم اجرای عقد است که نتیجه آن، رفع مسئولیت متعهد می‌باشد، نه استحقاق او به مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد و نظایر آن. از این رو مصادیقی در این خصوص بیان می‌گردد.

۱. قوانین موضوعه

در ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ مقرر شده است که بیمه‌گذار باید ظرف ۵ روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه، بیمه‌گر را مطلع نماید؛ در غیر این صورت، بیمه‌گر مسئول نخواهد بود. ماده ۲۷۳ ق.م.مقرر داشته است: «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند، متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم‌مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام، مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید، نخواهد بود.» ماده ۳۸۷ ق.م.نیز به گونه‌ای مشابه دلالت بر این دارد که اگر مشتری مبیع را قبض نکند، بایع می‌تواند به حاکم رجوع نماید؛ در این صورت ضمان معاوضی به مشتری منتقل خواهد شد. ماده ۴۰۵ ق.م.نیز مقرر داشته است: «اگر مشتری ثمن را حاضر کرد که بدهد و بایع از اخذ آن امتناع نمود، خیار فسخ نخواهد داشت.» در چنین صورتی می‌توان ادعا نمود که تکلیف همکاری از سوی بایع نقض شده و نتیجه آن، سقوط خیار اوست.

۲. دکترین حقوقی^۱

به نظر برخی حقوق‌دانان (امامی، ۱۳۷۳، ص ۲۴۰) اگر نقاشی متعهد شود پرده‌ای را ظرف دو ماه نقاشی کند و پس از گذشت چند روز از انعقاد قرارداد، در اثر صدور اجرائیه از طرف متعهدله نسبت به طلبی که از او دارد، توقیف شود و تمام مدت قرارداد در بازداشت باشد، مسئول خسارات وارد شده بر متعهدله نیست؛ زیرا متعهدله خود مانع از انجام آن شده است. مثال مذکور، نمونه‌ای از نقض تکلیف همکاری است که نتیجه آن، رفع مسئولیت متعهد است.

۱. «تکلیف همکاری» در نظریات نویسندگان ما ملاحظه نمی‌شود؛ اما «مداخله متعهدله در عدم اجرای قرارداد» و تأثیر آن علی‌رغم مفهوم متفاوتی که با تکلیف همکاری دارد، به جهت تشابه در موضوع، در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است.

برخی دیگر، ایجاد مانع در اجرای قرارداد از سوی متعهد له را عامل خارجی تلقی و موجب معافیت متعهد از مسئولیت دانسته‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۱۴) بنابر دیدگاهی دیگر، (شهیدی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۷۶) اگر متعهدله با عمل مثبت خویش مانع انجام تعهد گردد، مانند آنکه مورد تعهد، احداث ساختمانی در زمین متعهدله است و وی در مدت اجرای قرارداد، آن را توقف گاه اتومبیل‌های اشخاص قرار دهد، به طوری که احداث بنا در آن غیرممکن شود، اگر متعهدله، خود جلوی ورود خسارت را با وجود امکان جلوگیری نگیرد، متعهد مسئول نیست.

درخصوص قبض کالا توسط مشتری که می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق تکلیف همکاری به‌شمار آید، هر دو چهره حق و تکلیف ملاحظه می‌شود. به‌موجب ماده ۳۷۴ ق.م: «در حصول قبض، اذن بایع شرط نیست و مشتری می‌تواند مبیع را بدون اذن قبض کند.» ظاهر این ماده بیانگر استحقاق مشتری در قبض است؛ درعین حال قبض وظیفه مشتری نیز به‌شمار می‌رود. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۱۶۷؛ کیایی، ۱۳۷۶، ص ۴۰۳)

ماده ۱۳۰ لایحه پیشنهادی قانون تجارت مقرر داشته است: «با حال شدن تعهد و اقدام ضامن به اجرای آن، مضمون‌له مکلف به پذیرش آن است، وگرنه ضمانت منتفی می‌شود...» بنابراین با استقرا در مقررات و آرای نویسندگان می‌توان گفت تکلیف همکاری متعهدله در حقوق ما قابل شناسایی است و عرف و عادت، اصل حسن‌نیت و شرط می‌تواند به‌عنوان مبانی آن در نظر گرفته شود. باین حال تصویب مقرراتی خاص در این زمینه ضرورت دارد تا آثار و نتایج نقض چنین تعهدی را تبیین نماید.

شایان توجه است نقض وظیفه همکاری، مفهوم و آثاری وسیع‌تر از مداخله طرف دیگر عقد^۲ در جلوگیری از اجرای قرارداد دارد؛ به همین دلیل در برخی اسناد بین‌المللی برای هریک از آن دو مفهوم، موادی جداگانه پیش‌بینی شده است.^۳ در تکلیف همکاری متعهدله نه تنها عدم ایجاد مانع از سوی مطرح وی می‌شود، بلکه وظیفه دارد هر اقدامی که برای اجرای قرارداد از ناحیه متعهد ضروری است و در محدوده وظیفه مزبور می‌گنجد، در مقابل متعهد انجام دهد.

۱. در این مثال قاعده تقلیل خسارت و دخالت متعهدله در جلوگیری از اجرای قرارداد با هم خلط شده است.

2. Interference by the Other Party

3. Art. 5.1.3 & 7.1.2 UPICC; Art 1-202 & 8-101(3) PECL

همان‌گونه که حقوق‌دانان بیان داشته‌اند، (Vafagi, 2009, p10) استناد به نظریه تقصیر نسبی (که نقش برجسته آن در نظام حقوق رومی- ژرمنی آشکار است) و نظریه تقلیل خسارت (که نقش مهم آن در نظام کامن‌لا دیده می‌شود)، تنها به‌عنوان یک ابزار دفاعی از سوی متعهد اقامه می‌شود؛ درحالی‌که در نقض وظیفه همکاری، متعهدله حق مطالبه اجرای تعهد یا خسارت را خواهد داشت.

نتیجه

در حقوق مدرن قراردادهای، تکلیف همکاری متعهدله در اجرای قرارداد، امری مسلم و از ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌شود. بیان احکام مستقل در این مورد در قوانین جدید و اسناد بین‌المللی، نشان از اهمیت موضوع و لزوم وضع مقرراتی در حقوق داخلی دارد. مبنای چنین تعهدی علاوه بر اصل حسن‌نیت، قرارداد، عرف و عادت و شرط ضمنی است که در حقوق ما نیز قابل استناد است. میزان همکاری متعهدله در هر مورد با توجه به متعارف بودن آن و اوضاع و احوال حاکم بر عقد تعیین می‌شود. چنین وظیفه‌ای بیشتر در قراردادهای طولانی‌مدت مصداق می‌یابد. تکلیف همکاری منحصر به فعل مثبت نیست و در مواردی شامل ترک فعل نیز می‌شود.

اثر نقض تکلیف همکاری همانند نقض تعهد اصلی است؛ ازاین‌رو می‌توان به اقسام ضمانت‌های اجرایی مانند الزام متعهدله به انجام تکلیف همکاری، مطالبه خسارت، فسخ قرارداد و سایر طرق متوسل شد. شایان ذکر است اثر نقض تکلیف همکاری منحصر به رفع مسئولیت متعهد نیست و آثار مهم‌تری به‌دنبال دارد.

تکلیف همکاری متعهدله را می‌توان در صورت امکان اجرا توسط متعهد، به وی منتقل نمود؛ لکن امکان محدود یا مستثنا کردن آن به‌طور کلی وجود ندارد؛ زیرا قرارداد را به یک قرارداد غیر واقعی بدل می‌سازد.

چنین وظیفه‌ای در حقوق ایران قابل شناسایی است؛ اما ضروری است قانون‌گذار با الهام از قوانین جدید و اسناد بین‌المللی، نسبت به تدوین مقرراتی در این زمینه مبادرت نماید.

منابع و مأخذ

۱. اخلاقی، بهروز و فرهاد امام (۱۳۸۵)، *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*، ج ۲، تهران، نشر شهر دانش.
۲. اصغری، فخرالدین و حمیدرضا ابویی (۱۳۸۹)، *حسن‌نیت در اجرای قرارداد در حقوق انگلیس و ایران*، فصلنامه حقوق، دانشگاه تهران، دوره ۴۰، ش ۲.
۳. امامی، حسن (۱۳۷۳)، *حقوق مدنی*، ج ۱، چ سیزدهم، تهران، نشر کتابفروشی اسلامیة.
۴. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۷۴)، *الوسیط فی شرح القانون المدني*، ج ۱، دار احیاء التراث العربی.
۵. شعاریان، ابراهیم و ابراهیم ترابی (۱۳۸۹)، *اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران*، چ اول، تبریز، نشر فروزش.
۶. شهیدی، مهدی (۱۳۸۳)، *آثار قراردادهای و تعهدات*، چ دوم، تهران، نشر مجد.
۷. صفایی، حسین و همکاران (۱۳۸۴)، *حقوق بیع بین‌المللی*، چ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران.
۸. فرج‌الصدہ، عبدالمنعم (۱۹۷۴)، *نظریه العقد فی قوانین البلاد العربیہ*، بیروت، دارالنهضة العربیہ.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، *قواعد عمومی قراردادهای*، ج ۳ و ۴، چ چهارم، تهران، نشرانتشار.
۱۰. _____ (۱۳۷۱)، *عقود معین*، ج ۱، چ چهارم، تهران، نشرانتشار.
۱۱. کیایی، عبدالله (۱۳۷۶)، *التزامات بایع و مشتری*، ج اول، تهران، ققنوس.
۱۲. موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۶)، *نقش حسن‌نیت در عقود و قراردادهای در فقه و حقوق*، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تربیت معلم تهران، سال دوم، ش ۲، بهار.
۱۳. *قانون تعهدات سوئیس* (۱۳۷۸)، مترجم جواد واحدی، چ اول، تهران، نشر میزان.
14. Antonioli, Luisa & Veneziano, Anna (2005), *Principles of European Contract Law and Italian Law*, Kluwer Law International.
15. Banakas, S (2009), *Liability for Contractual Negotiations in English Law*, In Dret.
16. Bar, Christian von & Clive, Eric & others (eds) (2009), *Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference*, Outline Ed, Sellier.

17. Bar, Christian von & Clive, Eric & others (eds) (2009), *Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference*, Full Ed, Vol.1 & 2.
18. Basedow, Jürgen (1995), *The Unidroit Principles of International Commercial Contracts and German Law*. [available at: <http://www.cisg.law.puce.edu/cisg/biblio/zimmerman.html>]
19. Burrows, G F (1968), *Contractual Co-operation and the Implied Term*, *The Modern Law Review*, Vol.31.
20. Busch, Danny (2002), *The Principles of European Contract Law and Dutch Law, A Commentary*, Kluwer Law International.
21. Cafaggi, Fabrizio (2009), *Creditor's Fault: In Search of a Comparative Frame*, *European Journal of Legal Studies*.
22. Code civil (2010) Paris, 109 ed, Dallaz.
23. Cibinic, J & Others (2006), *Administration of Government Contracts*, 4th ed, U.S.A, Kluwer Pub.
24. Demouge, R (1931), *Traité des obligations en general*, t. IV, No 29, Paris.
25. Diesse, F (1999), *Le devoir de coopération comme principe directeur du contrat*, *Arch. phil. droit*, T.43.
26. Draft Common Frame of Reference (DCFR)
27. Fauvargue-Cosson, Bénédicte & Mazeaud, Denis (2008), *European Contract Law, Materials for a Common Frame of Reference: Terminology, Guiding Principles, Model Rules*, Munich, Sellier.
28. Guilbeault, Normand (1997), *L'obligation de renseignement dans les contrats de vente internationale de marchandises*, *Les Cahiers de droit*, vol. 38, n° 2, pp. 315-370.
29. *Code Civil*, Dalloz (2010), Henry, X, 109th ed, Paris.
30. Honnold, J.O (1991), *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Conventions*, 2d ed, U.S.A, Kluwer & Taxation Pub.
31. Kuehne, Geoffrey (2006-2007), *Implied Obligations of Good Faith and Reasonableness in the performance of Contracts: Old Wine in New Bottles?*, 33 *U.W. Austl. L. Rev.* 63.
32. Lando, Ole & Beale, Hugh (2000), *The Principles of European Contract Law*, Part I and II, Kluwer Law International.
33. Lando, Ole & Beale, Hugh (2003), *The Principles of European Contract Law*, Part III, Kluwer Law International.
34. Le Tourneau, Philippe et Poumarède, Matthieu (2009), *Rép. Civ, Dalloz*, V° *Bonne foi*, janvier (dernière mise à jour : 01/2012)
35. Mac Queen, H.L (1999), *Good Faith in Contract and Property*, A.D.M. Forte (ed), U.S. & Canada, Hart Pub.
36. Markesinis, Sir Basil & others (2006), *The German Law of Contract, A Comparative Treatise*, Second ed, Hart Pub.
37. Mestre, J (1986), *D'une exigence de bonne foi à un esprit de collaboration*, *RTD civ*.
38. Murdoch, J.R & Hughes, W (2008), *Construction Contracts: Law and Management*, 4th ed, London, Taylor & Francis Pub.

39. Preliminary Draft OHADA Uniform Act on Contract Law (OHADA)
40. Steensma, A (2009), *Implied Obligations of Non-Hindrance and Co-operation in Construction Contracts*, SMS Law. Tax, Available at: www.lawnow.com/cmck/pdfs/nonsecured/IMPLIEDTERMSOFco-operation.pdf.
41. The Principle of European Contract Law (PECL)
42. Unidroit Principle of International Commercial Contracts (UPICC) 2010.
43. United Nations Conventions on Contracts for the International sale of Goods (CISG) 1980.
44. Warren, M (2010), *Good Faith; Where are we at?*, Vol. 34, Melbourne University Law Review.
45. Weigand, T.A (2004), *The Duty of Good Faith and Fair Dealing in Commercial Contracts in Massachusetts*, Massachusetts Law Review, Spring.
46. Weill, A. & Terré, F. (1986), *Droit Civil: Les Obligations*, 4th edn, Paris, Dalloz.
47. Zimmermann, Reinhard (2002), *Breach of Contract and Remedies under the New German Law of Contract*, Saggi, Roma, Conferenze E Seminari.

Archive of SID